

خلاصه

رکود اقتصادی زمانی رخ می دهد که فعالیت های اقتصادی کاهش یابد، بیکاری افزایش یابد و تولید ناخالص داخلی در دو دوره سه ماهه متوالی منفی باشد. این پدیده به دلایل مختلف داخلی و خارجی رخ می دهد و تأثیرات گسترده ای بر زندگی مردم دارد. برای مقابله با رکود، دولت ها باید سیاست های پولی و مالی مؤثر اتخاذ کرده و اصلاحات ساختاری را اجرا کنند.

به زبان ساده، رکود اقتصادی زمانی رخ می دهد که فعالیت های اقتصادی در یک کشور کاهش پیدا کند. در این شرایط، تولید کمتر می شود، بیکاری افزایش می یابد، و افراد با درآمدهای کمتری مواجه می شوند. به عبارتی، رکود اقتصادی نه تنها آمارهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه زندگی روزمره مردم را نیز به شدت متحول می کند. اما چرا این موضوع مهم است؟ دانستن درباره رکود اقتصادی نه تنها به ما کمک می کند تا با این پدیده آشنا شویم، بلکه می توانیم روش های مقابله با آن را نیز بهتر درک کنیم. در این مقاله از [آپاداس](#)، به بررسی جامع رکود اقتصادی می پردازیم؛ از دلایل و نشانه ها گرفته تا تأثیرات و راهکارهای پیشگیری و خروج از این وضعیت.

رکود اقتصادی چیست؟

رکود اقتصادی به وضعیتی اطلاق می شود که در آن بیکاری افزایش می یابد، سود شرکت ها کاهش می یابد، بازارهای مالی دچار سقوط می شوند و تولید ناخالص داخلی کشورها کاهش می یابد. به عبارت ساده، رکود زمانی رخ می دهد که فعالیت های اقتصادی به طور کلی کاهش پیدا کرده و وضعیت اقتصادی منفی می شود. رکود اقتصادی، که در آن وضعیت اقتصادی یک کشور ضعیف می شود، زمانی اتفاق می افتد که تقاضای داخلی بیشتر از عرضه است، اما به دلایل مختلف، نیروی تولید کاهش می یابد.

این کاهش تولید منجر به گرانی، بیکاری و ورشکستگی شرکت ها می شود و بازارهای مالی دچار مشکل می شوند. رکود اقتصادی یا بحران اقتصادی زمانی رخ می دهد که اقتصاد یک کشور در دو دوره سه ماهه پیاپی رشد منفی داشته باشد. رکود مجموعه ای از عوامل است که به طور هم زمان باعث کاهش رشد تولید ناخالص داخلی، درآمد، اشتغال و فعالیت های صنعتی می شود.

این دوره که به عنوان دوره کساد یا بحران نیز شناخته می شود، در مقابل دوره رونق قرار دارد. در این زمان، حجم تولید و تجارت کاهش می یابد، به ویژه در کالاهای بادوام، به طوری که گاهی تولید برخی کالاها از مصرف نیز کمتر می شود.

پیشنهاد می شود برای کسب اطلاعات بیشتر مقاله [سود ناخالص](#) را نیز مطالعه فرمایید.

تأثیرات رکود بر جامعه و اقتصاد آن

یکی از تأثیرات مهم رکود اقتصادی در زندگی روزمره افراد، افزایش نرخ بیکاری است. زمانی که شرکت ها به دلیل کاهش تقاضا و عرضه، نیازی به استخدام نیروی کار ندارند، نرخ بیکاری افزایش می یابد. این امر به طور مستقیم باعث کاهش دستمزد و درآمد افراد می شود، که تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی روزانه آنان دارد. پایین آمدن درآمد خانوارها قدرت خرید آنان را محدود می کند و این موضوع تأثیرات منفی زیادی بر بازارهای محلی و اقتصاد کلان دارد. در چنین وضعیتی، مردم نمیتوانند از خدمات رفاهی، تفریحی یا حتی غذا به صورت معمول استفاده کنند.

دلایل رکود اقتصادی

رکود اقتصادی پیامدهای متعددی به همراه دارد که مهم ترین آن ها کاهش حقوق و دستمزدها و افزایش نرخ بیکاری است.

عدم تعادل میان عرضه و تقاضا

رکود اقتصادی زمانی آغاز می شود که تعادل میان عرضه و تقاضا برهم بخورد. اگر میان نیازهای مردم و تولیدات موجود تناسبی نباشد، احتمال وقوع رکود افزایش می یابد. در این شرایط، ناسازگاری میان کالاهای موردنیاز خریداران، خدمات ارائه شده توسط تولیدکنندگان، و قیمت ها به وجود می آید.

نوسانات نرخ بهره و تورم

تغییرات نرخ بهره بر هزینه های تولید کنندگان و مصرف کنندگان تأثیر می گذارد و می تواند باعث کاهش سرعت رشد اقتصادی شود. در مقابل، نرخ بهره پایین به شرکت ها امکان می دهد وام بیشتری دریافت کرده و سرمایه گذاری کنند. نوسانات نرخ بهره و [تورم](#) از شاخص های کلیدی سلامت اقتصادی یک جامعه محسوب می شوند.

احساس و هیجان

عوامل روان شناختی نقش مهمی در بروز رکود اقتصادی دارند. هیجانی که در زمان رونق اقتصادی توسط سرمایه گذاران در بازار ایجاد می شود، و برعکس، بدبینی آن ها در زمان سقوط بازار، می تواند موجب نوساناتی شود که در نهایت عوامل مالی و اقتصادی را در جهت ایجاد رکود تقویت می کند. انتظارات ذهنی مصرف کنندگان، سرمایه گذاران، کسب وکارها و سایر افراد نیز به میزان زیادی در آغاز و گسترش رکود اقتصادی تأثیر دارند.

شوک اقتصادی

برخی اقتصاددانان رکود اقتصادی را نتیجه یک شوک بزرگ به اقتصاد جامعه می دانند که می تواند تأثیرات گسترده ای بر شغل ها، مصرف کنندگان، بازار سهام و سایر بخش ها داشته باشد. بلایای طبیعی مانند زلزله یا جنگ نیز می توانند به اقتصاد کشورها شوک وارد کرده و باعث رکود اقتصادی شوند.

تحریم های اقتصادی

تحریم های اقتصادی که اغلب توسط قدرت های بزرگ اعمال می شوند، یکی از دلایل اصلی بروز رکود اقتصادی در کشورهای هدف هستند. در کشور ما نیز تأثیر این تحریم ها به وضوح قابل مشاهده و درک است، به طوری که طی سال های اخیر، تحریم ها به عنوان مهم ترین عامل رکود اقتصادی شناخته شده اند.

پیشنهاد می شود از سایر [مقالات حسابداری](#) آپاداس نیز دیدن فرمایید.

سیاست های جلوگیری از رکود اقتصادی

گاهی اوقات سیاست هایی که به منظور جلوگیری از رکود طراحی می شوند، خود می توانند موجب تشدید آن شوند. به ویژه، اتکای بیش از حد به محرک های دولتی، وام ها و اعتبارات ارزان با نرخ بهره پایین، در بلند مدت می تواند به ایجاد رکود اقتصادی منجر شود. این سیاست ها ممکن است به شکل موقت مشکلات اقتصادی را برطرف کنند، اما در نهایت می توانند باعث اختلال در تعادل اقتصادی و گسترش رکود شوند.

کاهش تولید

یکی دیگر از علل رکود اقتصادی، کاهش تولید و پیامدهای آن است. این کاهش تولید می تواند دلایل مختلفی داشته باشد، از جمله تحریم های اقتصادی، کاهش تقاضا در بازار، ضعف مدیریت در واحدهای تولیدی و... . پس کاهش تولید نه تنها پیامدهای بیشتری دارد، بلکه تأثیرات آن بر بازار سرمایه نیز قابل توجه است.

از دست رفتن اعتماد جامعه به اقتصاد

ترس از رکود اقتصادی باعث می شود افراد سرمایه گذاری و مصرف خود را کاهش دهند، و این رفتار باعث تشدید رکود می شود. در نتیجه، تولیدکنندگان برای مدیریت منابع مالی خود مجبور به کاهش هزینه ها می شوند. این چرخه معیوب نه تنها بحران را عمیق تر می کند، بلکه اعتماد عمومی به اقتصاد را بیش از پیش تضعیف می سازد.

متغیرهای اقتصادی جهانی

با جهانی شدن اقتصاد، متغیرهای اقتصادی جهانی تأثیر زیادی بر رکود اقتصادی دارند و می توانند آن را تشدید یا تقویت کنند. از جمله این متغیرها می توان به کاهش قیمت جهانی نفت و مواد خام، یا کاهش قیمت اقلام صادراتی کشورها اشاره کرد. این تغییرات جهانی می توانند باعث اختلال در اقتصاد کشورهای مختلف و در نتیجه باعث بروز رکود می شوند.

بی ثباتی نرخ ارز

نوسانات نرخ ارز با افزایش هزینه های تولید، زمینه ساز ایجاد و گسترش رکود اقتصادی می شود. بی ثباتی نرخ ارز، اعتماد بازار را تضعیف کرده و رکود را تشدید می کند. تحریم های اقتصادی نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی این بی ثباتی شناخته می شوند. همان طور که اشاره شد، عوامل ایجادکننده رکود اقتصادی اغلب به طور مستقیم یا غیرمستقیم با یکدیگر مرتبط هستند.

سقوط بازار سهام

بازار سهام به عنوان آئینه ای از وضعیت اقتصادی هر جامعه عمل می کند. سقوط این بازار نشان دهنده کاهش اعتماد سرمایه گذاران به اقتصاد کشور است و در بسیاری از موارد، می تواند نشانه ای از وقوع رکود اقتصادی در آینده باشد.

نکات کلیدی درباره شاخص های اقتصادی

- تعریف شاخص اقتصادی: در اقتصاد کلان معیاری است که برای تحلیل فعالیت ها و پیش بینی فرصت های اقتصادی استفاده می شود.
- منابع شاخص ها: اغلب از داده های انتشارشده توسط دولت، سازمان های غیرانتفاعی، یا دانشگاه ها استخراج می شوند.

انواع شاخص ها:

- پیشرو: تغییرات آن ها قبل از وقوع روندهای اقتصادی است و مسیر احتمالی آینده را نشان می دهند. شاخص های پیشرو مانند منحنی بازده، مصرف کالاهای بادوام و قیمت سهام برای پیش بینی حرکت های آتی اقتصاد به کار می روند. این شاخص ها معمولاً زودتر از اقتصاد به تغییرات واکنش نشان می دهند، به همین دلیل به آن ها "پیشرو" گفته می شود. اطلاعات حاصل از این شاخص ها باید با دقت مورد بررسی قرار گیرد، زیرا ممکن است نادرست یا گمراه کننده باشند. شاخص های پیشرو ممکن است بر اساس فرضیه های اقتصادی وسیعی شکل

بگیرند. به عنوان مثال، بسیاری از سرمایه گذاران منحنی های بازده آینده نگر را دنبال می کنند تا پیش بینی کنند نرخ های بهره آینده چگونه ممکن است بر عملکرد سهام یا اوراق قرضه تأثیر بگذارد. این تحلیل ها عمدتاً بر داده های تاریخی تکیه دارند، و به همین دلیل بر اساس عملکرد گذشته منحنی بازده، ممکن است سرمایه گذاری های مشابه در آینده نتایج مشابهی داشته باشند.

- پس رو: این شاخص روندهای گذشته را تأیید می کنند. شاخص های پس رو، مانند تولید ناخالص ملی (GNP)، شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)، نرخ بیکاری و نرخ بهره، تنها پس از وقوع یک فعالیت اقتصادی خاص قابل مشاهده هستند. این شاخص ها اطلاعاتی را پس از وقوع رویدادها ارائه می دهند و به همین دلیل به عنوان "پس رو" شناخته می شوند. یکی از معایب شاخص های پس رو این است که استراتژی هایی که بر اساس این داده ها توسعه می یابند، ممکن است با تأخیر زیاد به نتیجه برسند. برای مثال، زمانی که فدرال رزرو داده های CPI را بررسی کرده و سیاست پولی برای مهار تورم اتخاذ می کند، اعدادی که در دست دارند ممکن است قدیمی بوده و دیگر بازتاب دقیق وضعیت فعلی اقتصاد نباشند. با اینکه شاخص های پس رو همچنان توسط بسیاری از دولت ها و موسسات استفاده می شوند، اما به دلیل فرضیات نادرست در مورد شرایط فعلی، این شاخص ها می توانند خطر تصمیم گیری نادرست را به همراه داشته باشند.

- هم زمان: وضعیت فعلی اقتصاد را بازتاب می دهند. شاخص های هم زمان، مانند تولید ناخالص داخلی (GDP)، سطح اشتغال و شاخص خرده فروشی، فعالیت های اقتصادی جاری را گزارش می دهند. این شاخص ها وضعیت یک منطقه یا بخش خاص از اقتصاد را نشان می دهند و به سیاست گذاران و اقتصاد دانان بینش دقیق تری از آنچه در حال حاضر در حال وقوع است، می دهند. به این ترتیب، این داده ها به تصمیم گیری های آگاهانه کمک می کنند. با این حال، شاخص های هم زمان ممکن است برای سرمایه گذاران چندان مفید نباشند، زیرا وضعیت اقتصادی هم زمان با انتشار این شاخص ها آشکار می شود. بر خلاف پیش بینی ها، این شاخص ها فقط وضعیت فعلی اقتصاد را نشان می دهند. بنابراین، شاخص های هم زمان بیشتر برای کسانی مفیدند که توانایی تفسیر صحیح تأثیرات وضعیت فعلی) مانند کاهش GDP بر آینده اقتصادی را دارند.

کاربرد شاخص های اقتصادی

- کاربرد برای سرمایه گذاران: شاخص ها به سرمایه گذاران در تحلیل بازار و تصمیم گیری کمک می کنند، اما داده های متغیر و غیرقطعی می توانند اثرگذاری آن ها را محدود کنند.
- اندازه گیری جنبه های اقتصادی: این شاخص ها دامنه ای از رشد اقتصادی، تغییرات قیمتی، تا نرخ بیکاری را پوشش می دهند.
- تأثیر بر بازار: اخبار مرتبط با شاخص های اقتصادی می توانند باعث تغییرات در بازار شوند.
- راهنمایی در سرمایه گذاری: اطلاعات شاخص ها به افراد کمک می کند تا تصمیمات بهتری درباره سرمایه گذاری های خود بگیرند.

رکود بزرگ چیست؟

اصطلاح "رکود بزرگ" به بزرگترین و طولانی ترین رکود اقتصادی در تاریخ جهان مدرن اشاره دارد. این رکود از سال ۱۹۲۹ آغاز شد و تا ۱۹۴۱ ادامه یافت، همان سالی که ایالات متحده وارد جنگ جهانی دوم شد. اقتصاد دانان و مورخان اغلب از رکود بزرگ به عنوان یکی از بزرگترین و شاید فاجعه بارترین رویدادهای اقتصادی قرن بیستم یاد می کنند. رکود بزرگ، بزرگترین و طولانی ترین رکود اقتصادی در تاریخ جهان مدرن بود که از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۱ ادامه یافت. سرمایه گذاری های سفته بازی در بازار در دهه ۱۹۲۰ منجر به سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹ شد که بخش زیادی از ثروت اسمی را از بین برد.

براساس [تحقیق](#) انجام شده رکود بزرگ منجر به کاهش تولید ناخالص ملی واقعی تقریباً ۳۰ درصد و تأثیر شدیدی بر اشتغال شد، به طوری که از هر چهار کارگری که خواهان کار بودند، یک نفر نتوانست آن را پیدا کند.

اگرچه سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹ به عنوان عامل اصلی رکود بزرگ مطرح است، اکثر مورخان و اقتصاد دانان بر این باورند که عوامل دیگری نیز در بروز این رکود نقش داشتند. عدم تحرک اقتصادی و سیاست های کم اثر فدرال رزرو از جمله عواملی بودند که در تشدید

رکود تاثیرگذار بودند. رؤسای جمهور هوور و روزولت هر دو تلاش کردند با اعمال سیاست های دولت، اثرات افسردگی اقتصادی را کاهش دهند.

سقوط بازار سهام

رکود کوتاه مدتی که از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ ادامه یافت و به نام "رکود فراموش شده" شناخته می شود، باعث سقوط تقریباً ۵۰٪ بازار سهام ایالات متحده و کاهش بیش از ۹۰٪ سود شرکت ها شد. با این حال، اقتصاد ایالات متحده در باقی مانده دهه ۲۰ رشد قوی ای را تجربه کرد. دهه ۲۰ به عنوان "دهه خروشان" شناخته می شود، زیرا مردم آمریکا بازار سهام را کشف کرده و با آن وارد تعامل شدند.

در این دوران، دیوانگی های سوداگرانه هم بر بازار املاک و هم بر بازار بورس نیویورک (NYSE) تأثیر گذاشت. عرضه پول ضعیف و سطح بالای معاملات حاشیه ای توسط سرمایه گذاران، موجب افزایش بی سابقه قیمت دارایی ها شد.

تا اکتبر ۱۹۲۹، قیمت های سهام به بالاترین نرخ های تاریخی خود رسیدند و بیش از ۱۹ برابر درآمد پس از مالیات شرکت های بزرگ ارزیابی می شدند. این افزایش قیمتی، به همراه رشد ۵۰۰ درصدی شاخص صنعتی داو جونز (DJIA) در مدت تنها پنج سال، در نهایت منجر به سقوط بازار سهام شد. حباب بورس نیویورک (NYSE) در ۲۴ اکتبر ۱۹۲۹ به شدت ترکید، روزی که به "پنجشنبه سیاه" معروف شد و آغازگر رکود بزرگ بود.

پس از سقوط شدید بازار در پنجشنبه سیاه (۲۴ اکتبر ۱۹۲۹)، تجمع کوتاهی در جمعه ۲۵ اکتبر و یک جلسه نیم روزه در شنبه ۲۶ اکتبر برگزار شد. با این حال، هفته بعد، دوشنبه سیاه (۲۸ اکتبر) و سه شنبه سیاه (۲۹ اکتبر) به وقوع پیوستند. در این دو روز، شاخص داو جونز صنعتی (DJIA) بیش از ۲۰ درصد سقوط کرد. در نهایت، بازار سهام تقریباً ۹۰ درصد از اوج خود در سال ۱۹۲۹ را از دست داد.

امواج ناشی از سقوط بازار سهام ایالات متحده در سال ۱۹۲۹ به سرعت به اروپا رسید و بحران های مالی دیگری را در پی داشت. یکی از این بحران ها فروپاشی بانک Boden-Kredit Anstalt، مهم ترین بانک اتریش، بود. در سال ۱۹۳۱، فاجعه اقتصادی به اوج خود رسید و هر دو قاره را با تمام قوا تحت تأثیر قرار داد، باعث تشدید رکود اقتصادی جهانی شد.

اقتصاد ایالات متحده در دوره رکود بزرگ

سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹ ثروت اسمی، اعم از شرکتی و خصوصی، را نابود کرد و اقتصاد ایالات متحده را به رکود کشاند. در اوایل سال ۱۹۲۹، نرخ بیکاری ایالات متحده ۳/۲٪ بود، اما در سال ۱۹۳۳ این رقم بیش از ۲۵٪ افزایش یافت.

با وجود مداخلات بی سابقه و هزینه های دولت های هوور و روزولت، نرخ بیکاری در سال ۱۹۳۸ همچنان بالای ۱۸/۹ درصد باقی ماند. تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی (GDP) در زمانی که ژاپنی ها پل هاربر را در اواخر سال ۱۹۴۱ بمباران کردند، کمتر از سطح سال ۱۹۲۹ بود.

اگرچه سقوط بازار سهام احتمالاً آغازگر رکود اقتصادی یک دهه بود، اما اکثر مورخان و اقتصاددانان بر این باورند که سقوط به تنهایی عامل رکود بزرگ نبود. همچنین، این بحران به تنهایی توضیح نمی دهد که چرا عمق و مدت زمان رکود تا این حد شدید و طولانی بود. انواع مختلفی از رویدادها و سیاست های خاص به تشدید و طولانی شدن رکود در دهه ۱۹۳۰ کمک کردند.

اشتباهات فدرال رزرو در دوران رکود بزرگ

فدرال رزرو، که در سال ۱۹۱۳ تأسیس شد، در مدیریت عرضه پول و اعتبار قبل و بعد از سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹ اشتباهات بزرگی مرتکب شد.

در طول هشت سال اول فعالیت خود، فدرال رزرو نسبتاً غیرفعال بود. پس از بهبود اقتصاد از رکود ۱۹۲۱-۱۹۲۰، این نهاد اجازه گسترش قابل توجه پولی را داد. مجموع عرضه پول از ۲۸ میلیارد دلار به ۴۵ میلیارد دلار افزایش یافت که معادل ۶۱/۸ درصد رشد در مدت زمان بین ۱۹۲۱ و ۱۹۲۸ بود. همچنین سپرده های بانکی ۵۱/۱ درصد، سهام پس انداز و وام ها ۲۲۴/۳ درصد و ذخایر بیمه عمر ۱۱۳/۸ درصد افزایش یافت. این رشد در عرضه پول پس از کاهش ذخایر ضروری به ۳ درصد در سال ۱۹۱۷ توسط فدرال رزرو آغاز شد.

با افزایش عرضه پول و پایین نگه داشتن نرخ بهره در طول دهه ۱۹۲۰، فدرال رزرو به توسعه سریع اقتصادی که در نهایت به فروپاشی انجامید، دامن زد. بیشتر این رشد به بازار سهام

و حساب های املاک و مستغلات تعلق داشت. پس از ترکیدن این حساب ها و سقوط بازار، فدرال رزرو تصمیم به کاهش تقریباً یک سوم از عرضه پول گرفت. این تصمیم باعث بروز مشکلات شدید نقدینگی برای بسیاری از بانک های کوچک شد و امید به بهبود سریع را از بین برد.

سیاست های فدرال رزرو در این دوران به دلیل اشتباهات در مدیریت پولی، نه تنها بحران اقتصادی را تشدید کردند، بلکه مدت زمان رکود را نیز طولانی تر کردند

رکود بزرگ پس از سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹ آغاز شد. این سقوط باعث از بین رفتن ثروت اسمی خصوصی و شرکتی شد و اقتصاد ایالات متحده را به رکود کشاند. در نهایت، این بحران اقتصادی از مرزهای ایالات متحده فراتر رفت و به اروپا نیز سرایت کرد.

رکود بزرگ به دلیل ترکیبی از چندین عامل پیچیده به وجود آمد. عوامل کلیدی که منجر به این بحران شدند عبارتند از:

- سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹: سقوط بازار سهام در اکتبر ۱۹۲۹، که به حساب های اقتصادی در بازار سهام و املاک دامن زد، ثروت اسمی خصوصی و شرکتی را از بین برد و آغازگر رکود شد.

- استاندارد طلا: سیستم استاندارد طلا، که کشورهای مختلف به آن پایبند بودند، موجب محدودیت در انعطاف پذیری سیاست های پولی شد و مشکلات اقتصادی را تشدید کرد.

- کاهش وام دهی و تعرفه ها: کاهش عرضه وام و وضع تعرفه های تجاری بالا، مانند تعرفه اسموت-هالی، تجارت بین المللی را محدود کرده و باعث کاهش تقاضا و افزایش رکود شد.

- وحشت بانکی: وحشت بانکی در سال های اولیه رکود باعث شد مردم برای برداشت پول های خود از بانک ها هجوم بیاورند، که موجب بحران های نقدینگی و ورشکستگی بسیاری از بانک ها شد.

- سیاست های پولی فدرال رزرو: فدرال رزرو در طول دهه ۱۹۲۰ سیاست های پولی سهل گیرانه ای اتخاذ کرد، که به رشد بیش از حد بازار سهام و ایجاد حساب منجر شد. پس از سقوط، فدرال رزرو سیاست های انقباضی را در پیش گرفت که باعث تشدید رکود و کاهش عرضه پول شد.

تمام این عوامل با هم باعث شد رکود بزرگ به یکی از بدترین بحران های اقتصادی تاریخ تبدیل شود.

چگونه رکود بزرگ پایان یافت

عقیده عمومی این است که ایالات متحده با ایجاد مشاغلی که به دلیل تصویب قرارداد جدید به وجود آمدند و همچنین از طریق سرمایه گذاری گسترده دولت در بخش خصوصی برای آماده سازی ورود به جنگ جهانی دوم، از رکود بزرگ خارج شد. با این حال، برخی از اقتصاددانان با این دیدگاه مخالف هستند و بر این باورند که اگر دولت مداخله نمی کرد، رکود ممکن بود زودتر به پایان برسد

رکود بزرگ در سال ۱۹۴۱ به پایان رسید، که تقریباً همزمان با ورود ایالات متحده به جنگ جهانی دوم بود. این نقطه پایان معمولاً به عنوان شروع بهبود اقتصادی شناخته می شود، زیرا بیکاری کاهش یافت و تولید ناخالص داخلی (GDP) افزایش پیدا کرد. بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که جنگ جهانی دوم و نیاز به تولیدات نظامی برای تأمین تجهیزات جنگی، به بازسازی اقتصادی کمک کرده و به پایان رکود بزرگ منجر شد.

همچنین از شما عزیزان دعوت می شود تا از قسمت فایل های حسابداری و فرم های آماده آپاداس همانند [قرارداد تخریب ساختمان](#) که به صورت رایگان منتشر شده است، استفاده نمایید.

رکود تورمی

به وضعیتی اقتصادی اطلاق می شود که در آن اقتصاد به شدت کند شده یا به رکود می رسد، در حالی که قیمت ها (تورم) به طور همزمان در حال افزایش هستند. این وضعیت معمولاً ترکیب نامطلوبی از کاهش تولید اقتصادی و افزایش هزینه های زندگی است که می تواند فشارهای سنگینی بر مردم و کسب و کارها وارد کند.

این اصطلاح برای اولین بار توسط ایین مک لئود، سیاستمدار بریتانیایی، در سال ۱۹۶۵ مطرح شد. او در سخنرانی خود در پارلمان گفت که در آن زمان کشورهای توسعه یافته با بدترین

وضعیت اقتصادی مواجه بودند: نه تنها تورم در حال افزایش بود، بلکه رکود اقتصادی نیز ادامه داشت.

یکی از عوارض جانبی رکود تورمی، افزایش بیکاری است. به طور معمول، هنگامی که تورم در حال افزایش است، قدرت خرید مردم کاهش می یابد و در نتیجه مصرف کمتری صورت می گیرد. این کاهش تقاضا منجر به کاهش تولید و در نهایت افزایش بیکاری می شود. در حالی که این همه اتفاق می افتد، قیمت ها همچنان بالا می روند و فشار تورمی همچنان ادامه دارد.

رکود تورمی به ویژه در دهه ۱۹۷۰ به اوج خود رسید، زمانی که قیمت نفت جهانی به شدت افزایش یافت و باعث تورم شدید در کشورهای توسعه یافته شد. این امر باعث شد که اقتصادهای بسیاری از جمله ایالات متحده و کشورهای اروپایی با ترکیبی از رکود و تورم دست و پنجه نرم کنند. براساس مقاله [Economics of worldwide stagflation](#)، رکود تورمی ترکیبی از بیکاری بالا، رشد آهسته، و جهش تورم بالا است که کشورهای صنعتی پیشرفته را در پانزده سال گذشته متحیر کرده است.

تورم و رکود دو مفهوم اقتصادی متفاوت هستند که تأثیرات مختلفی بر اقتصاد دارند:

- تورم به معنای افزایش عمومی قیمت ها در یک اقتصاد است. به عبارت دیگر، زمانی که قیمت کالاها و خدمات به طور مداوم در طول زمان افزایش می یابد، ما با تورم روبه رو هستیم. این افزایش قیمت ها می تواند ناشی از تقاضای زیاد برای کالاها و خدمات (تورم ناشی از تقاضا) یا کاهش عرضه آن ها (تورم ناشی از عرضه) باشد. تورم معمولاً با استفاده از شاخص هایی مانند شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) و شاخص قیمت عمده فروشی (WPI) اندازه گیری می شود.
- رکود به وضعیتی اشاره دارد که در آن فعالیت های اقتصادی در یک کشور به طور گسترده ای کاهش می یابد. در این شرایط، تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور برای دو فصل متوالی یا بیشتر کاهش می یابد. رکود می تواند به دلیل کاهش تقاضای مصرف کننده، کاهش سرمایه گذاری، یا مشکلات ساختاری در اقتصاد به وجود آید. افزایش بیکاری و کاهش درآمد خانوارها نیز از پیامدهای رکود هستند.

- در واقع، تورم بیشتر به افزایش قیمت ها اشاره دارد، در حالی که رکود به کاهش فعالیت اقتصادی و تولید ناخالص داخلی اشاره می کند. به طور کلی، در رکود اقتصادی، قیمت ها ممکن است ثابت یا کاهش یابند، اما در تورم، قیمت ها همواره در حال افزایش هستند.

راهکارهای مقابله با رکود اقتصادی

آماده شدن برای رکود اقتصادی می تواند به کاهش فشار مالی و حفظ امنیت مالی شما کمک کند. در ادامه، روش های پیشنهادی برای آماده شدن به [تفصیل](#) توضیح داده شده است:

۱. ایجاد جریان های درآمد ثابت و متنوع

- اگر ممکن است، به دنبال راه هایی برای ایجاد چندین منبع درآمد باشید. مثلاً علاوه بر شغل اصلی، کارهای پاره وقت، مشاوره یا سرمایه گذاری در پروژه های کم ریسک را بررسی کنید.
- درآمد ثابت، حتی در دوران رکود، پایداری مالی را تضمین می کند.

۲. ایجاد صندوق اضطراری

- یک صندوق اضطراری برابر با هزینه های حداقل ۳ تا ۶ ماه زندگی، می تواند در زمان از دست دادن شغل یا کاهش درآمد، کمک کننده باشد.
- این پول باید به راحتی قابل دسترس باشد، مثلاً در حساب های پس انداز با نقدینگی بالا نگهداری شود.

۳. کاهش هزینه های غیرضروری

- بودجه بندی کنید و هزینه های غیرضروری را شناسایی کنید. مثلاً تعطیلات گران قیمت یا خریدهای تجملی را کاهش دهید.

○ تمرکز را بر نیازهای اساسی مانند غذا، مسکن و قبوض نگه دارید.

۴. مدیریت سرمایه گذاری ها

○ اگر به سرمایه گذاری در بازار سهام ادامه می دهید، مطمئن شوید که برنامه های بلندمدت دارید. در غیر این صورت، ممکن است دارایی های خود را به اوراق قرضه یا حساب های نقدی با بازدهی امن تر منتقل کنید.

○ متنوع سازی سرمایه گذاری ها و کاهش ریسک از طریق انتخاب دارایی های کم نوسان می تواند مفید باشد.

۵. کاهش بدهی ها، به ویژه بدهی های با نرخ بهره بالا

○ بدهی های کارت اعتباری با بهره بالا را اولویت بندی کنید. کاهش این بدهی ها به شما کمک می کند تا در دوران رکود از هزینه های اضافی جلوگیری کنید.

○ اگر نمی توانید تمام بدهی را بپردازید، با بانک یا وام دهنده خود مذاکره کنید تا بهره را کاهش دهند یا شرایط پرداخت را تغییر دهند.

۶. نگاه به آینده و برنامه ریزی برای دوره های سخت تر

○ برنامه های بلندمدت مالی را ارزیابی کنید و سعی کنید برای بدترین سناریو آماده باشید.

○ با استفاده از منابع آموزشی مالی، اطلاعات خود را درباره مدیریت مالی افزایش دهید.

نمونه های اخیر رکود

- ایالات متحده: آخرین رکود از فوریه تا آوریل ۲۰۲۰ رخ داد، که یکی از کوتاه ترین رکودهای ثبت شده بود. سیاست های حمایتی فدرال رزرو به بازگشت سریع کمک کرد.
- بریتانیا: رکود اقتصادی بریتانیا در سه ماهه اول و دوم سال ۲۰۲۰ رخ داد و شش ماه به طول انجامید، اما بازگشت به تولید ناخالص داخلی قبل از همه گیری تا اواخر سال ۲۰۲۱ طول کشید.

کلام آخر

نکته نهایی: رکود اقتصادی می تواند چالش های زیادی به همراه داشته باشد، اما با داشتن آمادگی، مدیریت مالی هوشمندانه و پرهیز از تصمیم گیری های هیجانی، می توانید تأثیرات آن را به حداقل برسانید. رکود اقتصادی یک پدیده پیچیده و چندوجهی است که می تواند زندگی افراد و عملکرد کلی یک کشور را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، با اتخاذ سیاست های درست و همکاری دولت، بخش خصوصی و مردم، می توان اثرات آن را کاهش داد و حتی از آن فرصت هایی برای رشد اقتصادی ایجاد کرد.

سوالات متداول

۱. رکود اقتصادی چه تفاوتی با بحران اقتصادی دارد؟ بحران اقتصادی شامل مشکلاتی شدیدتر از رکود است و معمولاً با سقوط کامل بازارهای مالی همراه است.
۲. چرا رکود اقتصادی خطرناک است؟ رکود باعث کاهش درآمدها، افزایش بیکاری و کاهش تولید می شود که مستقیماً بر کیفیت زندگی تأثیر می گذارد.
۳. چگونه می توان رکود اقتصادی را پیش بینی کرد؟ کاهش رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش بیکاری و افت بازارهای مالی از علائم اولیه آن هستند.
۴. دولت ها چگونه می توانند از رکود جلوگیری کنند؟ با سیاست های پولی و مالی مؤثر، حمایت از کسب و کارها و ایجاد شغل های جدید.